



# جاسوسی سفارت در تمام فصول

■ محمدجواد اخوان

روزی که سفارت امریکا در تهران، به تسخیر دانشجویان در آمد و «لانه جاسوسی» لقب گرفت، با آنکه ۳۰ سال از تأسیس سازمان اطلاعات مرکزی امریکا می‌گذشت، هنوز شبکه گسترده جاسوسی امریکا در دنیا تا حد زیادی ناشناخته بود اما گذر زمان نشان داد یکی از کارویژه‌های سفار تخانه‌های امریکا در اقصی نقاط عالم و حتی کشورهای اروپایی، جاسوسی پنهان از کشور میزبان است؛ موضوعی که اسناد به‌دست آمده در سفارت امریکا در تهران مؤید آن بود.

**ایستگاه‌های جاسوسی دیپلماتیک**

همه سفارت‌خانه‌ها در دنیا به جمع‌آوری اطلاعات از کشور میزبان می‌پردازند، اما مطابق حقوق و عرف بین‌الملل ایسن جمع‌آوری باید «با وسایل مشروع» و پرهیز از استراق اطلاعات از محیط مقصد باشد. باین‌حال تجربه تاریخی نشان می‌دهد که دولت ایالات‌متحده امریکا به این تعهد بین‌المللی پایبند نمی‌ماند و سفار تخانه‌های امریکا بسیاری از اقدامات غیرقانونی در کشور میزبان از قبیل جاسوسی و جمع‌آوری غیرمجاز اطلاعات را بر عهده دارند.

حتی پایتخت‌های اروپایی متحد امریکانیز از جاسوسی سفارتخانه‌های ایالات‌متحده در امان نبوده و نیستند. به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۱۳ میلادی، نشریه اشپیگل بر پایه یکی از اسناد امنیتی ایالات‌متحده فاش کرد که انگلار مرکز، صدراعظم اسبق آلمان از سال ۲۰۰۲ در فهرست اهداف جاسوسی آژانس امنیت ملی امریکا قرار داشته‌است. بر پایه سند مزبور واحدی به نام «خدمات جمع‌آوری ویژه» (SCS) مسئول انجام کار معرفی شد که ستادی غیرقانونی و مخفی در سفارت‌خانه امریکا در برلین بر پا کرده‌است. در این ستاد کارمندان آژانس امنیت ملی (ان.اس.ای) و همچنین آژانس اطلاعات مرکزی ایالات‌متحده (سیا) با گیرنده‌های بسیار قوی از تباطات مخابراتی معطوط‌ای را کنترل می‌کنند که ساختمان‌های دولتی آلمان در آن قرار دارند. واحد «خدمات جمع‌آوری ویژه» در آیین‌نامه «فوق محرمانه» داخلی خود تأکید کرده‌است که اگر مشخص شود سفارت‌خانه‌های ایالات‌متحده امکانات فنی این‌چنینی را برای اهداف جاسوسی به خدمت می‌گیرند، ایسن موضوع می‌تواند «پیامدهای منفی سنگینی برای مناسبات ایالات‌متحده با دولت‌های دیگر» داشته باشد. همچنین روزنامه «گاردین» سند دیگری را منتشر کرد که بر اساس آن آژانس امنیت ملی امریکا مکالمات تلفنی ۲۵ رهبر جهان را شنود کرده‌است.

این واقعیت البته سال‌ها پیش در اسناد به‌دست آمده از سفارت امریکا در تهران بر ملا شده بود. در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی اهمیت

وزارت امور خارجه امریکا به سفارت امریکا در تهران تو صیه می‌کند که فعالیت‌های سفارت

در زمینه جاسوسی و سعه یابد و مأموران سفارت با جریانات معارض انقلاب ارتباط برقرار کنند.

**-- GAPS IN COVERAGE: LACK OF INFORMATION AND UNDERSTANDING OF: WHO THE KEY MOVERS ARE AND HOW THE CURRENTLY FRAGMENTED POWER SYSTEM OPERATES; RELATIONSHIPS BETWEEN RELIGIOUS LEADERS, THEIR FOLLOWERS AND SECULAR LEADERS AND GROUPS; COMPOSITION AND STRENGTHS OF VARIED GROUPS MAKING UP LEFTIST FORCES; LEADERSHIP AND ORGANIZATION OF QUILTERA GROUPS, TRIBES AND ETHNIC MINORITIES (KURDS, ARABS, ETC.); STRENGTH AND COMPOSITION OF REVOLUTIONARY GUARDS AND PARA-MILITARY GROUPS; LEADERSHIP AND ORGANIZATION OF "KHOMENIS" IN GOVERNMENT ORGANIZATIONS, MILITARY, AND INDUSTRY; LEADERSHIP AND STRENGTH OF NEW MILITANT WORKER GROUPS, ESPECIALLY IN OIL SECTOR; MILITARY COMMAND STRUCTURE, OPERATIONAL PREPAREDNESS, AND WILL TO FIGHT; POLITICAL IMPLICATIONS OF CONTINUED HAVEE ECONOMIC PROBLEMS SUCH AS LOW PRODUCTIVITY, SHORTAGES OF MANAGEMENT PERSONNEL, TECHNICALS, SPARE PARTS, RAW MATERIALS, FINANCING, AND MARKETS; BAZAAR POLITICS.**

**-- RECOMMENDED ACTIONS: FILL VACANT ECONOMIC AND COMMERCIAL OFFICER POSITIONS IMMEDIATELY. REVIEW NEED FOR REESTABLISHING POL/MIL POSITION. ENSURE POL SECTION HAS A PERMANENTLY-ASSIGNED SECRETARY. CONSIDER ESTABLISHING ROTATIONAL JUNIOR OFFICER POSITION IN POL SECTION. REOPEN THE THREE CONSULATES AS SOON AS CONDITIONS PERMIT. ASSIGN OFFICERS TO THEM WITH POLITICAL REPORTING EXPERTISE. FILL SENIOR FOREIGN SERVICE NATIONAL POLITICAL ADVISOR POSITION QUICKLY. CONSIDER ADDING FPMN POSITION IN POL SECTION TO ASSIST WITH MEDIA COVERAGE. MAKE AVAILABLE FUNDS FOR INDIVIDUAL LANGUAGE INSTRUCTION AT POST TO HELP POLITICAL AND ECONOMIC OFFICERS MAINTAIN AND IMPROVE THEIR LANGUAGE CAPABILITY. ASSURE FUNDS FOR TRAVEL TO AND FROM THE COUNTRY ARE QUICKLY AVAILABLE IF CONDITIONS PERMIT. INCREASE PUBLICATIONS PROCUREMENT PROGRAM TO MAXIMUM EXTENT POSSIBLE, ESTABLISH AND MAINTAIN CONTACT WITH ALL MAJOR POLITICAL GROUPS, INCLUDING OPPOSITION, AND KNOWLEDGEABLE INDEPENDENT POLITICAL OBSERVERS. CHRISTOPHER ST #5972**

You asked me to comment at some point about our prospects for influencing the course of events. Only marginally, I would say, until the military recovers, and that is a process we can do almost nothing to affect. What we can do, and I am now working on, is to identify and prepare to support the potential leaders of a coalition of westernized political liberals, moderate religious figures, and (when they begin to emerge) western-oriented military leaders. The most likely catalyst for such a coalition is Ayatollah Khatami; I have compartmented contacts with several of his supporters.

Prospects are not bright for resuming operations of either of the PROCESSION sites in a way which will provide us telemetry on Soviet missile testing. The reason is that this would require a degree of American participation which the Iranians are not likely to find politically acceptable. Accordingly, we are proceeding with an operation designed to provide clandestine detection of telemetry; this is proceeding well, and with some luck could be functioning fairly early in 1980.

You wanted me to comment on both non-official and military cover in the context of Tehran's operational requirements. I could make good use of an NCO officer, partly for contingency handling of sensitive sources, and partly to expand the Station's access to protected information on financial and economic matters, especially in the petroleum sector. My minimum requirement for access to the military has been met, as the Charge d'Affaires has at my request placed a Station officer in the Embassy's political-military slot. The addition of a uniformed officer would nevertheless be most useful.

I will be exploring these cover questions and other matters when I arrive at Headquarters on leave and consultation in mid-November. I look forward to seeing you then.

Best personal regards,  
  
Donald C. Paquin

آنهايي که در خود نوعی ناراضايی یا مخالفت احتمالی نهفته دارند یا نهایتاً به آنجا منتهی می‌شوند، بیشنی به دست آوریم. شاید مسلمانان متعصب‌تر اصفهان واقعا بخش برجسته‌ای از ساخت آنجا باشند، زیرا در دیگر نقاط ایران چنین نیست.»

در ادامه این دستورالعمل آمده است: «در حوزه‌های کنسولی همه شما تأسیسات و پایگاه‌های نظامی دایر هست. بسیار مفید است که شما در اصفهان، شیراز و تبریز و مسافرت در حوزه‌های خود، اثر چنین پایگاه‌ها و تأسیسات (افراد آنها نیز) را در مناطقی که قرار دارند به نظر بیابورید... علاقه‌مندیم که از طرز فکر ارتشيانی که در هر منطقه مشخص زندگی می‌کنند بهتر آگاهی داشته باشیم. آیا آنها از مشاغل ارتشی خود راضی‌اند؟ آیا وظایف خود را خوب انجام می‌دهند؟ آیا پایگاه یا تأسیسات مورد نظر کارایی دارد؟ به‌طور کلی تلقی‌شان از شاه و نحوه پیشرفت عمرانی در ایران چیست؟ نظر شخصی ایشان چیست؟»

در خصوص اطلاعات اقتصادی هم آمده است: «گزارش شما در امور اقتصاد مملکت از قبیل موارد ذیل مورد استفاده قرار خواهد گرفت: سیاست کنترل قیمت‌ها، تورم (قیمت‌های معمول زمین و اجاره) به تعیین حقوق، دورنما و وضعیت فعلی برنامه تقسیم سهام (اصل ۱۲) مشکلات و اصلاحات تأمین و بخش (مانند سیستم ترابری، انبارداری، بازارها) موجود بودن و تخصیص اعتبار؛ اوضاع سرمایه‌گذاری / تجارت

به‌طور کلی (شامل میزان بالا رفتن سرمایه) عوامل مؤثر در آن اوضاع (مثلاً تصمیم به سرمایه‌گذاری یا عدم آن) و فعالیت‌های دولتی (کارایی بوروکراسی، اتخاذ تصمیمات محلی یا همه در تهران)؛ تأثیر خرج‌ها،

تقلیل طرح‌های عمرانی و غیره.»

در دستورالعملی که برای کنسول تبریز ارسال شده هم آمده است: «اگر شما فرصت تهیه یک خلاصه جامع تر درباره حضور نظامی ایران در ناحیه مرزی تبریز - شوروی داشته باشید، مطمئتم که همکاران در اداره وابسته دفاعی و بخش سیاسی - نظامی آن را مفید خواهند یافت. آن‌گاه برای شروع گزارش‌های منطقه‌ای، به سراغ مسئله کردها می‌رویم. از آنجایی که گزارش‌های مربوط به بخش کرندشین مورد توجه کشور است، فعالیت تبریز در هفت سال گذشته عمدتاً صرف این امر شده است. ما امیدواریم که شما بتوانید روابط جدیدی را برقرار و حفظ نمایید تا حداقل در هر نیمسال ما را از عقاید کردها در مورد مسائلی از قبیل برادران عراقی‌شان، استعداد آنها برای حمایت از ناراضیان در عراق و دیدشان را نسبت به امریکا، مطلع سازید. از صحبت‌هایمان در تهران شما می‌دانید که در عراق کردهای ناراضی فعال هستند. این همرا به بعضی فعالیت‌های عراق در چند ماه اخیر، مسئله حقوق انسانی کردهای عراقی را هم در امریکا و هم در صحنه سازمان ملل متحد به‌صورت علنی مطرح ساخته‌است.... فعالیت‌های مقامات شوروی در ناحیه شما بسیار مورد علاقه است، ما پیشنهاد می‌کنیم که در هنگام انجام مقررات گزارش نویسی یک یادداشت ملاقات در هر مورد تماس به RSO فرستاده شود. اهمیت خاص به

پژونده

اسناد سخن می‌گوید (۵)

در اسناد سفارت سابق امریکا در تهران، دستورالعمل‌هایی برای توجیه عوامل و منابع اطلاعاتی سفارت برای جمع‌آوری پنهان اطلاعات وجود دارد که در این دستورالعمل‌ها دقیقاً مشخص شده که چه چیزهایی برای امریکا مهم است و چگونه نه باید این اطلاعات به دست آید؟



ایستگاه‌سیا در تهران به دنبال توسعه شبکه عوامل و منابع خود در ایران بود. یکی از الزامات گسترش این شبکه استفاده از مأموران دارای پوشش غیررسمی بود. این گونه مأموران دیپلمات‌ها یا کارمندان آشکار سفارت نبودند بلکه تحت عناوین قالبی افراد غیردولتی، بازرگان، روزنامه‌نگار، کارمند شرکت و غیره کار جاسوسی خود را پیش می‌بردند

توصیف جز به‌جز عقاید و رفتار شوروی‌هایی که ملاقات می‌کنید، قائل شویید. چنین گزارش نویسی باعث کمک بسیار در تشخیص مقامات شوروی که احتمالاً بتوانند اطلاعات جاسوسی چشمگیری فراهم کنند، خواهد بود.»

**تشدید جاسوسی پس از انقلاب**

اما به‌پیروزی انقلاب اسلامی، هر چند مسیر نفوذ امریکا ناهموار شد، اما مواجهه با شرایط جدید ایجاب می‌کرد تا سفارت و ایستگاه اطلاعاتی سیا در تهران، دامنه جمع‌آوری آشکار و پنهان اطلاعات خود را توسعه دهد. به همین منظور وزارت امور خارجه امریکا در تاریخ ۱۷ اوت ۱۹۷۹ ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ در مکاتباتی سری به شماره ۵۸۷۲ به سفارت امریکا در تهران توصیه می‌کند که فعالیت‌های سفارت در زمینه جاسوسی توسعه یابد: «بشتوانه‌هایی را برای سفر در داخل کشور در نظر بگیرید و سفرهایی را تا جایی که شرایط اجازه می‌دهد، به‌سرعت شروع کنید. برنامه تبلیغات را افزایش دهید. تاملتی در چه ممکن، با تمام گروه‌های سیاسی مهم شامل مخالفین و شاهدان سیاسی مستقل بر اطلاعات، تماس حاصل نمایید.»

ایستگاه سیا در تهران نیز به دنبال توسعه شبکه عوامل و منابع خود در ایران بود. یکی از الزامات گسترش این شبکه استفاده از مأموران دارای پوشش غیررسمی بود. این گونه مأموران دیپلمات‌ها یا کارمندان آشکار سفارت نبودند بلکه تحت عناوین قالبی افراد غیردولتی، بازرگان،



آنگلار مرکز که از سال ۲۰۰۵ تا دسامبر ۲۰۲۱ صدراعظم آلمان (یکی از متحدان اروپایی امریکا) بود. باین‌حال در سال ۲۰۱۳ میلادی، نشریه اشپیگل فاش کرد که آنگلار مرکز، صدراعظم اسبق آلمان از سال ۲۰۰۲ یعنی قبل از تصدی صدراعظمی در فهرست اهداف جاسوسی آژانس امنیت ملی امریکا قرار داشته‌است. ستادی مخفی در سفارت امریکا در برلین، کارشود و جاسوسی از او را بر عهده داشته‌است.

روزنامه‌نگار، کارمند شرکت و غیره کار جاسوسی خود را پیش می‌برند و رابطه خود را با مأمورین جاسوس تحت پوشش رسمی به‌طور بسیار مخفی حفظ می‌کردند.

بر همین اساس دونالد، سی، پوکوین یا همان توماس اهرن، رئیس ایستگاه سیا یک هفته قبل از تسخیر سفارت در ۷ آبان ۱۳۵۸ در یادداشتی برای ادوارد جی. گنین (اسم مستعار آدمیرال ترنر، رئیس وقت اطلاعات مرکزی امریکا) نیازمندی‌های ایستگاه را به این شرح اعلام می‌کند:

«ز من خواستید که در رابطه با احتیاجات عملیاتی تهران درباره استفاده از پوشش‌های غیررسمی و همچنین نظامی اظهار نظر کنم، من می‌توانم از یک مأمور دارای پوشش غیررسمی تا حدی به‌منظور ارتباط اضطراری با منابع حساس و تا حدی به‌منظور دسترسی قرارگاه به اخبار غیرعلنی مربوط به امور مالی و اقتصادی، خصوصاً در بخش نفت، استفاده خوبی بکنم. حداقل احتیاج من در دسترسی به ارتش تأمین شده، چون کاردار به درخواسته من یکی از مأموران قرارگاه را در بیست خالی کارمند سیاسی - نظامی جای داده‌است. مع‌ذلک، اضافه شدن یک مأمور ملیس «به لباس نظامی» نهایت فایده را در بر خواهد داشت.»

**موانع پیش‌روی جاسوسی**

البته کار جاسوسی در شرایط پس از انقلاب به این سادگی‌ها هم نبود و اوضاع کاملاً با قبل از انقلاب متفاوت بود. لینگن، کاردار سفارت نیز این مشکلات را به‌خوبی درک می‌کرد و سعی می‌کرد واشینگتن را از این چالش‌ها مطلع کند. در گزارش‌سی خلی محرم‌نامه به شماره ۷۶۳۵ که در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۷۹ ۳۱ تیر ۱۳۵۸ برای وزارت امور خارجه در واشینگتن دی‌سی و رونوشت آن را به سفارت‌خانه‌های امریکا در دیگر کشورهای منطقه ارسال می‌کند، به این موانع پیش‌روی سفارت اشاره می‌کند: «سوءظنی که در ایران امروز نسبت به کلیه اعمال حکومت امریکا وجود دارد و همچنین عدم امنیت عمومی در تمام مناطق کشور، تقریباً جمع‌آوری اطلاعات برای کارمندان سفارت را غیرممکن ساخته‌است، مگر در موارد خیلی نادر. مع‌هذا پدیده‌هایی وجود دارند که قابل‌انذار نیستند: به‌طور کمی می‌باشند (حداقل به شکل تقریبی) و ما سعی کرده‌ایم با استفاده از این اطلاعات، مدلی بسازیم که با آن به‌خوبی بتوانیم جریان سیاسی را رزیابی کنیم.»

**یازداشت جاسوسان امریکایی**

۱۰ ماهی که سفارت امریکا در تهران پس از پیروزی انقلاب همچنان فعال بود، بارها پیش آمد که مردم انقلابی به جاسوسان امریکایی که در پوشش دانشگاهی، تاجر و خبرنگار مشغول جمع‌آوری اطلاعات در گوشه‌گوشه کشور بودند، مشکوک شده و آنها را تحویل نیروهای انقلابی دادند. از جمله سفارت در سند ۴۰۶۹ در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۷۹ ۲۹ فروردین ۱۳۵۸ به وزارت امور خارجه امریکا گزارش می‌کند: «چند منبع دانشگاهی که نسبتاً تا ۵ هفته پیش آرام بودنداند گزارش کرده‌اند که برخی از تحصیل کرده‌های امریکایی در خیابان‌ها بدون اطلاع دستگیر شدند. در بعضی مراحل به کمیته‌های انقلاب احضار شده و در یک مورد در دادگاه محلی به اتهام (کمک به امریکایی‌ها - به‌طور آشکار این کار جرم تلقی شده یا حداقل در ایران انقلابی کار خلافی است). یک دوست نزدیک و رابط با ریچارد کانینگهام مأمور سفارت گفت که تحصیل کرده‌ها بدون هیچ اتهامی اینک در زندان بوده و از او درخواست کردند با دوستان دانشگاهی مستقیماً تماس بگیرد، زیرا ممکن است با سوءتفاهم تلقی شود. برخی دیگر از رابطین غیردانشگاهی مأمور سفارت نسبت به ملاقات در محل‌های عمومی اکراه داشتند و عده‌ای از ملاقات سر باز زدند (تا کارها رو به‌راه شود). مأمور مطبوعات مشکلات مشابهی با اکثر روزنامه‌نگاران داشته‌است.»

در سند دیگری که کاردار در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۷۹ با شماره ۸۹۷۰ به واشینگتن ارسال کرده و «ملاقات با بازرگان» را شرح داده‌است، اعتراض خودش به برخورد و اخراج خبرنگاران امریکایی را گزارش می‌دهد:

«من آنگاه رفتار با خبرنگاران امریکایی را از نسوی دولت موقت ایران در میان گذاشتم و گفتیم که نگرانی دولت موقت ایران را درباره اینکه مطبوعات امریکا تصویر متعادلی از ایران ارائه نمی‌دهند کاملاً درک می‌کنم و اینکه من نیامده‌ام تا درباره اخراج خبرنگاران امریکایی از ایران رسماً شکایت کنم، ولی من میل دارم نگرانی خود را درباره اثر چنین اقداماتی در مناسبات دو جانبه بین دو کشور ابراز نمایم.... من به تذکرهای دکتر ممکن از وزارت ارشاد ملی درباره اینکه خبرنگاران امریکایی در ایران اغلب در درجه اول جاسوس به نظر می‌رسند و بعد روزنامه‌نگار اشاره کردم، یک چنین اظهاری از سوی یک مقام ارشد دولت موقت ایران که هیچ‌گونه اساسی ندارد به نفع هیچ‌کدام نیست.»

ادامه دارد...

منابع در دفتر روزنامه موجود است.